

بازخوانی تطبیقی

وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی علیه السلام و بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری

علیرضا میرزایی*

چکیده

از دغدغه‌ها و دلواپسی‌های بنیان‌گذاران و وفاداران به انقلاب‌های سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، استقرار، تثبیت، استمرار، کارآمدی نظام برآمده از انقلاب و استمرار گفتمان انقلابی است. حضرت امام علیه السلام به‌عنوان بنیان‌گذار و مقام معظم رهبری به‌عنوان مفسر و ادامه دهنده مسیر تعیین شده امام علیه السلام ضمن واکاوی محتوا، ارزش انقلاب و نظام اسلامی با آسیب‌شناسی هوشمندانه و ریل‌گذاری مناسب در صدد تضمین مانایی و زدودن آسیب‌های احتمالی هستند. وصیت‌نامه الهی سیاسی امام علیه السلام و بیانیه گام دوم انقلاب مشیر به این هدف متعالی است. هر دو مکتوب، ناظر به مآل اندیشی و مهندسی و ترسیم نقشه راه پرمخاطره آینده است. در این پژوهش، ضمن بازخوانی هر دو مکتوب ارزشمند با نگاه تطبیقی، وجوه مشترک قابل توجهی استخراج و عنوان‌گذاری شد و مورد تحلیل قرار گرفت. روح هر دو نوشته واحد است، کانه فرد واحدی به اقتضای زمانی و مکانی مختلف برای آینده انقلاب طرح راهبردی ارائه کرده‌اند. روش ما در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و سپس با رویکرد تطبیقی و تحلیلی، ایده‌های راهبردی دو رهبر انقلاب در طول زمان با توجه به تطورات تاریخی، مورد خوانش قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: وصیت‌نامه امام، بیانیه گام دوم، انقلاب، نظام اسلامی، دشمن.

مقدمه

تضمین آینده نظام سیاسی و اعتقادی از دغدغه‌های اصلی مؤسسان و بنیانگذاران هر نظامی است. دلواپسی و نگرانی نسبت به ترائی که به جا می‌ماند، امری طبیعی است. نابودی کامل، دگردیسی، استحاله ارزش‌های حاکم بر نظام‌ها، از مصادیق بارز نگرانی‌های رهبری اصیل است. جایگزینی و تصدی افراد ناصالح و دگراندیش به‌عنوان رهبری نظام‌های سیاسی و کارگزاران نظام، آینده پرچالشی را برای میراث انقلاب رقم بزند، لذا ترسیم نقشه راه و ریل‌گذاری برای حفظ و استكمال تراث ارزشمند به جا مانده، ضروری است.

رسول خدا ﷺ به عنوان الگو و اسوه کامل قابل تأسی بر اساس رهنمود قرآنی (احزاب: ۲۱)؛ دو امر گران‌بها را برای تضمین سلامت آئین و امت خود وصیت نمود. در منابع فریقین به روایت مشهوری برمی‌خوریم که به حدیث ثقلین معروف است:

در میان شما دو شیء گران‌بها [به امانت] می‌گذارم. کتاب خدای باعزت و جلال و عترت و اهل بیتم. آگاه باشید آن دو بازماندگانم بعد از من هستند. جدایی ندارند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۵).

در منابع روایی اهل سنت حدیث فوق از ابوسعید خدری از رسول‌الله ﷺ نقل شده است (ابن‌حنبل، ۱۴۱۴-۱۹۹۴، ج ۴: ۵۴، حدیث ۱۱۲۱۱).

نظام مردم‌سالار مستقر اسلامی، تجلی مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی است. دین و حکومت با رهبری افراد شایسته و صالح موجب صیانت هر دو بُعد و فواید مضاعف می‌شود. هنر انقلاب اسلامی ایران توأم نمودن این دو بود.

قَدْ رَوَى بَعْضُهُمْ عَنْ أَحَدِهِمْ ﷺ: أَنَّهُ قَالَ الدِّينُ وَالسُّلْطَانُ أَخَوَانِ تَوَامَانِ لَا بُدَّ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِنْ صَاحِبِهِ وَالدِّينُ أَسُّ وَالسُّلْطَانُ حَارِسٌ وَمَا لَا أَسَّ لَهُ مُنْهَدِمٌ وَمَا لَا حَارِسَ لَهُ ضَاعٍ؛ بَعْضِي

۱. (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا)؛ در حالی که شما می‌توانستید به رسول خدا ﷺ به‌خوبی تأسی کنید، و این وظیفه هر کسی است که به خدا و روز جزا امید دارد، و بسیار یاد خدا می‌کند (احزاب: ۲۱).

راویان از یکی از دو امام (امام باقر و امام صادق علیهما السلام) نقل کرده‌اند که دین و حکومت دو برادر همراهند. هر کدام دیگری را لازم دارد. دین، اساس و بنیان اصلی است و حکومت پاسدار و نگهدارنده است. چیزی که اساس ندارد فرو می‌ریزد و چیزی که نگهدارنده ندارد، نابود می‌گردد (مفید، ۱۴۱۳: ۲۶۳).

انقلاب اسلامی و نظام مردم‌سالار دینی برآمده از آن، ضمن هویت‌بخشی به سیاست و مدیریت اسلامی، در تعیین معادلات منطقه‌ای و جهانی و باز تعریف بلوک‌های قدرت، نقش مهمی داشت. نیکسون در کتاب پیروزی بدون جنگ نکات قابل تأملی در مورد انقلاب اسلامی ایران و جنبش اسلامی ملهم از آن با عنوان اسلام سیاسی و بنیادگرا بیان نموده است. در جهان اسلام، از مغرب تا اندونزی، بنیادگرایی اسلامی جای کمونیسم را به‌عنوان وسیله اصلی برای تغییر خشونت‌آمیز گرفته است (نیکسون، ۱۳۶۸: ۳۳۸).

رهبری انقلاب دغدغه حکیمانه و مال‌اندیشانه‌ای نسبت به آینده انقلاب و نظام اسلامی و حکومت دینی دارند، لذا با بازخوانی عبرت‌آمیز گذشته، توصیف وضعیت فعلی و ترسیم آینده و انتقال خط فکری خود، در وصیت‌نامه الهی سیاسی و بیانیه گام دوم، در صدد تضمین آینده انقلاب و نظام سیاسی اسلامی هستند.

در این پژوهش، به دو مکتوب فاخر یعنی وصیت‌نامه امام علیه السلام و بیانیه گام رهبر معظم انقلاب با نگاه تطبیقی توجه شده است. در هر دو مکتوب، چند نکته اساسی و بنیادی به صورت مضمّر و آشکار مورد تأکید است.

پوپر در کتاب معروف خود «جامعه باز و دشمنان آن»، ضمن تعریف و حتی تقدیس از دمکراسی، با قاطعیت عدم پذیرش جامعه باز و دمکراتیک را رجعت به دوره حیوانی می‌داند. می‌توانیم راه رجعت به حیوانات را پیش بگیریم؛ اما اگر بخواهیم انسان بمانیم، یک راه بیشتر نیست و آن راه، ورود به جامعه باز است و بس (پوپر، ۱۳۷۷: ۴۱۹).

انقلاب اسلامی با جهان‌بینی و پارادایم گفتمانی جدید، نظام فکری و فرهنگی و سبک زندگی غربی را به تحدی طلبیده است.

نیکسون در اعترافی آشکار به پروژه نفوذ و استحاله و دگردیسی به‌صراحت توصیه می‌کند. تغییر در جهان سوم آغاز شده و بادهای آن به مرحله طوفان رسیده است. ما قادر نیستیم که آن را متوقف کنیم؛ اما می‌توانیم جهت آن را تغییر دهیم (نیکسون، ۱۳۶۸: ۳۳۹).

آسیب‌شناسی و ستردن عوامل چالشی درون و برون در این زمان ضرورت تام دارد. نگاه دو رهبر حکیم و فرزانه به این ضرورت معطوف است تا با نگاه سلبی به عوامل مخرب و نگاه ایجابی به عوامل قوام بخش، آینده انقلاب اسلامی تضمین شود و اهداف بلند الهی و انسانی آن محقق شده و پیش‌درآمدی بر تشکیل بلوک فرهنگ و قدرت با ایجاد یک دولت (فراگیر) اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل (امام خمینی علیه السلام: ۱۳۶۹: ج ۲۱: ۲۳۰) در کلام امام خمینی علیه السلام و باز تولید تمدن نوین اسلامی (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)، در گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی باشد.

انقلاب اسلامی حقیقتی بر تارک زمان

وقوع انقلاب مبتنی بر انگاره‌ها و اصول و مبانی دینی در ثلث آخر قرن بیستم میلادی، واقعه‌ای سخت‌باور و پدیده‌ای کم‌نظیر بود. مذهب به‌عنوان پیشران جامعه انسانی حتی در کشورها و ملت‌های مسلمان مورد توجه نبود. جوامع اسلامی در کلیت سکولاریسم و عرفی‌گرایی لیبرالی غربی و کمونیستی منفعل بودند و پذیرش وقوع انقلابی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ناشی از آموزه‌های اسلامی با رهبری روحانیون دشوار می‌کرد. اغلب نخبگان مسلمانان یا به لیبرالیسم غربی و محافظه‌کاری در اجتماع خو کرده بودند و یا اگر دغدغه تغییر داشتند، به شعارهای پُر جاذبه مارکسیسم و کمونیسم دل بسته بودند.

در جهان اسلام، نهضت رجعت به خویشتن اسلامی، شتاب فزاینده‌ای گرفت و بعد از چهار دهه از وقوع انقلاب اسلامی با ماهیت دینی با محوریت ایران و اسلام انقلابی و سیاسی، به‌عنوان جبهه مقاومت، به کنشگری فعال، با برنامه، هدفمند و معطوف به آینده امیدبخش تبدیل شده است.

در نوشته‌های رهبری انقلاب و مقام منیع ولایت، وجود انقلابی بی‌نظیر و معطوف به بن‌مایه‌های دینی مورد تأکید ویژه است.

امام راحل علیه السلام در وصیت‌نامه خود انقلاب اسلامی را امید اصلی و الهام‌بخش میلیون‌ها نفر از مسلمانان و مستضعفان معرفی می‌کند.

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب‌دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید میلیون‌ها مسلمان و

مستضعفان جهان است، به قدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتر و برتر است (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۵).

رهبر معظم انقلاب به وصف این جنبه از انقلاب تأکید ویژه دارند.

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به شدت تحقیر شده و عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت... روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

رمز پیروزی و بقای انقلاب اسلامی

به عقیده حکما و متکلمان، عوامل مبقیه یک پدیده، همان عوامل محدثه است. عوامل ایجاد کننده هر پدیده‌ای، استمرار بخش آن نیز هستند.

هر ممکن، در حدوث و بقا - هر دو - محتاج است به علت محدثه و مبقیه (سبزواری، بی‌تا:

۵۱۳ و اسفراینی، بی‌تا: ۸۹ و حسن‌زاده آملی، بی‌تا: ج ۶: ۱۹۰).

پدیده‌ها و امور اجتماعی بر اساس نظریه جامعه‌شناسان در بافتی از عوامل ترکیبی ایجاد می‌شوند. هر پدیده یا امر اجتماعی که در نظر گرفته شود، مسلماً زائیده ارتباط متقابل است که ما بین افراد اجتماع و طبیعت و ما بین خود افراد اجتماع از سوی دیگر موجود است (مرتضوی، ۱۳۵۹: ۱۴).

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست. عواملی آن را به وجود آورد. همان عوامل با اقتضات جدید عوامل استمرار بخش آن خواهد بود.

رهبر انقلاب و مؤسس نظام جمهوری اسلامی دو عامل رکنی که عوامل زیادی از آن‌ها نشأت می‌گیرند، عوامل اصلی احداث و انقلاب معرفی می‌کند:

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت

می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن عبارتند از:

انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت

کلمه برای همان انگیزه و مقصد (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹: ج ۲۱: ۱۷۶).

مقصد عالی حکومت اسلامی اجرای عدالت و تعظیم شعائر دینی و برپایی معالم و حیانی است. در این فقره وجود رهبری صالح دینی و نخبگان همراه و توده همگام لازم است؛ زیرا قوایم اصلی حکومت اسلامی با آنها به پا داشته می‌شود.

ما رسولان خود را همراه با معجزات روشن گسیل داشتیم و با ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم را به عدالت خوی دهند (حدید: ۲۵).

اگر در زمین استقرارشان دهیم، نماز به پا کنند و زکات دهند و به معروف وا دارند و از منکر باز دارند (حج: ۴۱).

حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تجسم حکومت واقعی الهی، اهداف بلند حکومتش را در مانیفیسیت [= بیانیه] و مرامنامه حکومتی در نامه ۵۳ به مالک اشتر مشخص نموده است.

اخذ مالیات مصر (حوزه حکومتی) و جهاد و نبرد مقدس با دشمنان آن سرزمین و اصلاح مردم و ساختن و معمور نمودن آن منطقه، از مأموریت‌های اصلی حکومت اسلامی است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴-۱۳۶۳: ۱۲۶ و نهج البلاغه، نامه ۵۳).

در این چهار فرمان، نظام مالی صحیح و متناسب، امنیت ملی، اصلاح فرهنگ عمومی و آبادانی و پیشرفت، مطمح نظر اصلی است.

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای از نهج البلاغه با رویکرد استکمالی و پیش‌برنده، اهداف بلندی را برای حکومت اسلامی معرفی می‌کند:

خدایا! تو می‌دانی آن چه از ما سر زد، نه به خاطر تمایل به کسب قدرت بود و نه برای به دست آوردن چیزی از مال بی‌ارزش دنیا؛ بلکه برای آن بود که نشانه‌های دین تو را به جای خود بازگردانیم و امور شهرها را سامان دهیم تا بندگان ستم‌دیده تو ایمنی یابند و حدود تعطیل شده تو اجرا شود (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۸: ۲۶۳ و نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

حضور و همراهی توده مردم با هدف متعالی رهبری دینی و وحدت کلمه، از معجزات الهی در تغییرات بنیادی در جوامع بشری است.

امیر المومنین علی علیه السلام یکپارچگی مردم و اجتناب از تفرقه را برای جامعه اسلامی بسیار ضروری می‌دانست و به آن توصیه می‌فرمود:

همراه و ملازم باسواد اعظم (توده مردم) باشید، پس به‌درستی که دست عنایت پروردگار بر سر جماعت است و بپرهیزید از تفرقه پس به‌درستی که شخصی که از خلق تنها شده است، طعمه شیطان لعین است؛ چنان‌چه تنها مانده از گوسفندان طعمه گرگ است. آگاه باشید و بدانید، هر کسی که مردمان را به‌سوی این شعار خارجیان بخواند، پس او را بکشید؛ اگر چه آن شخص در زیر عمامه من باشد (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ج ۸: ۱۹۵).

یکی از متکلمان معاصر در ترسیم نقش وحدت کلمه مردمی، مطلب جالب نظری بیان می‌کند: *بُنِيَ الإسلام على كلمتين هما دعواته المبدئيتان: كلمة التوحيد، و توحيد الكلمة؛ اسلام بر دو جمله که ستون‌های اصلی هستند بنا شده است. کلمه توحید و خدانشناسی و وحدت کلمه (سبحانی تبریزی، بی تا: ج ۴: ۹).*

امام علیه السلام در ادامه، نسخه بقای انقلاب را گوشزد می‌کنند.

اینجانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید ... امروز و در آتیه نیز آن‌چه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه‌برانداز است. توصیه اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان به‌ویژه در عصر حاضر، آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود، به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹: ج ۲۱: ۱۷۶).

رهبر معظم انقلاب بر حضور مردم به‌ویژه جوانان به‌عنوان نیروی پیشران جامعه در استمرار و بقای انقلاب و کارآمدی آن تأکید می‌کنند.

بی‌شک فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد؛ اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی

شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

ماهیت مستقل و نه شرقی و نه غربی انقلاب اسلامی

نظام اسلامی با الهام از نظام امامت به‌عنوان استمرار مدیریت نبوی، در فقدان ظاهری امام معصوم، مدل ولایت فقیه را پذیرفته است. در این دیدگاه، رهبری صالح دینی، قائمه مشروعیت حکومت را تشکیل می‌دهد. در این رویکرد، عدم تبعیت از نظام‌های شرک‌آمیز امروزی و عدم اندکاک در بلوک‌های قدرت مادی و غیر الهی مورد تأکید است. همان راه میانه‌ای است که در کلام حضرت علی علیه السلام در مقابل کج‌روی‌هایی تحت عنوان تمایل به چپ و راست، تعبیر شده است. شرق و غرب در هر زمانی مصداق خودش را دارد. در این زمان مشارکت و تابعیت بلوک‌های قدرت از مصادیق آن است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: **الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَةُ**؛ راست و چپ گمراهی است و راه میانه، جاده و مسیر اصلی است (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵: ۱۷۲). طبیعی است این هویت ریشه‌دار دینی نمی‌تواند در بلوک‌های قدرت مادی مرسوم بگنجد و نقشه راه سیاسی خودش را دارد.

در اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی، هویت مستقل در سیاست خارجی مورد تأکید است (صادقی، ۱۳۹۲: ۹۱).

از دیدگاه بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و ساختار حکومتی آن تفاوت ماهوی با رژیم‌های سیاسی غرب و شرق دارد. نظام اسلامی ایران با بن‌مایه‌های دینی در مبانی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ساختار حکومتی و سیاست و مدیریت ملهم از آموزه‌های وحیانی است و با نظام‌های معرفتی و سیاسی شرق و غرب تفاوت ماهوی دارد (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹: ج ۲۱: ۲۰۱).

امام خمینی علیه السلام بر حفظ ماهیت مستقل در سیاست خارجی که ممکن است آسیب‌هایی از ناحیه روابط با دیگران به هویت انقلاب وارد شود، تأکید می‌کنند:

وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمان‌های بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است؛ چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها؛ و چه در سیاست

خارجی، حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند (همان: ۱۹۰).

رهبر معظم انقلاب در ترسیم این ماهیت مستقل می‌نویسد:

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

ضرورت حفظ خلوص و پالایش نظام اسلامی

پدیده‌های اجتماعی از جمله انقلاب می‌تواند به تدریج از آرمان‌های پوبای خود فاصله گرفته و با ورود ناخالصی‌ها گرفتار اعوجاج و اضطراب شود. حفظ خلوص انقلاب و پایداری بر هویت اصیل آن ضروری است.

انبیاء^{علیهم‌السلام} در مقابل درخواست تقلیل، کاهش، آمیختگی دین با عناصر غیردینی و التقاط، به حفظ خلوص دینی تأکید و به شدت موضع سلبی می‌گرفتند (یونس: ۱۵ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۶۴۸). بر اساس آموزه‌های قرآنی و نبوی^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} حضرت امام^{علیه‌السلام} در هشدار تاریخی به خلوص در انقلاب تأکید ویژه دارند:

من اکنون به ملت‌های شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است؛ بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار بایند بوده، و لحظه‌ای [از شکر این نعمت غفلت نکرده و دست‌های ناپاک عمال ابرقدرت‌ها،

چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی، تزلزلی در نیت پاک و اراده

آه‌نین آنان رخنه نکند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۳).

در پارادایم گفتمانی امام خمینی علیه السلام پروژه عدم خلوص ممکن است از بالاترین سطوح نظام آغاز و به سطوح نازل تسری یابد. ایشان در هشدار معنادار به رهبران آینده انقلاب توصیه می‌کنند:

وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرت‌ها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و درحقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده، آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند؛ و گمان ننمایند که رهبری فی‌نفسه برای آنان تحفه‌ای است و مقام والایی؛ بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواست با هوای نفس باشد، ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد (همان: ۱۸۸).

مقام معظم به عنوان مفسر و استمرار دهنده راه امام علیه السلام بر خلوص انقلاب تأکید خاص دارند: از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملت‌هایی که به پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند؛ اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

تأکید بر دانش پایه بودن پیشرفت‌های پایدار

راه توسعه و پیشرفت متوازن کشور، بر پایه دانش و علم است. به همین دلیل، دانش و مراکز علمی و کوشش و تکاپوی جهاد علمی، موضوعیت دارد. این امر محوری، مورد تأکید رهبری انقلاب است.

در منابع دینی به اهمیت دانش و فرادست شدن مردمی که به دانش اصلی و روز دست یافته اند، توجه داده شده است.

مولای متقیان در این باره می‌فرمایند:

الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلَ عَلَيْهِ؛ دانش و علم موجب برتری و قدرت است، انسانی که به آن دست یافت غلبه می‌کند و پیروز می‌شود و کسی که به علم دست نیافت، مغلوب می‌شود (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۳۱۹).

امام خمینی علیه‌السلام راه حل اصلی مشکلات کشور را به صورت بنیادی در پالایش و صیانت و همراهی مراکز علمی و دانشگاهی می‌دانند.

و اما در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولت‌مردان را از بین اینان انتخاب و برسر‌نوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. پس اکنون که دانشگاه‌ها و دانش‌سراها در دست اصلاح و پاکسازی است، بر همه ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاه‌ها به انحراف کشیده شود (امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۸۵).

وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانش‌سراها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد (همان: ۱۹۲).

رهبر معظم انقلاب به جایگاه علم در پیشرفت کشور و رهایی و برون‌رفت از مشکلات تأکید

ویژه دارند:

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. ... به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است؛ اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار

عقبیم؛ باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم (https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673).

پویایی و بالندگی نظام اسلامی

در رویکرد عده‌ای از سیاست‌مداران و جامعه‌شناسان، تکاپوی انقلاب‌های سیاسی اجتماعی پس از استقرار نظام سیاسی مد نظر، از بین می‌رود و انقلابیون به محافظه‌کاری روی می‌آورند. در حکومت مستقر رفتار انقلابی نوعی خودستیزی و ممشای پارادوکسیکال است.

نظریه استمرار انقلاب و نظام انقلابی، با وجود تشکیل حکومت دینی از ابداعات رهبری نظام اسلامی است و از انگاره‌های دینی اخذ شده است.

در آموزه‌های اسلامی چند کلیدواژه اساسی وجود دارد که در استمرار رهبری دینی در دوره غیبت و بالندگی مستمر نظام سیاسی ولایی نقش بنیادی دارد. این واژگان ارتباط تغذیه‌ای و آوندی دارند و شناخت آنها در فهم نظام انقلابی، نقش عمده‌ای دارند.

بعثت، غدیر، عاشورا، انتظار مثبت و جامعه مهدویت مفاهیم بنیادی اندیشه اسلامی و شیعی است که در تبیین وضعیت موجود دخالت تام دارد.

بعثت، سرآغاز رستاخیز فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که با آن مدل کامل زیست انسانی از جانب خداوند به جامعه بشری عرضه شد و تمام تعالیم از آن منتشی می‌شود.

غدیر، تدبیری برای استمرار مدیریت الهی و دینی است که در ولی صالح متجلی است. واقعه عاشورا، کنشی فعال به انحراف در مدیریت کلان در جامعه اسلامی بود و به‌عنوان موتور پیشران حرکت‌های اسلامی در تاریخ مسلمانان، الهام‌بخش حرکت‌های انقلابی است. «باید فاتحه اسلام و مسلمانی را خواند و با آن وداع گفت، آن‌گاه که جامعه و مردم دچار زمامدار و رهبری همانند یزید گردند» (ابن‌نما حلی، ۱۴۰۶: ۲۵).

انتظار مثبت و سازنده و پویا، عدم اقناع به وضعیت موجود است.

فرجام خوش تاریخ با جامعه مهدویت محقق می‌شود و ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی دین کامل و خاتم، به منصه ظهور می‌رسد.

در نگاه دینی مدل کامل حکومت در نظام مهدوی عجل‌الله‌فرجه در پروژه آخر الزمان قابل تحقق است، لذا هر نظام سیاسی در دوره غیبت کبری، مدل کامل نخواهد بود؛ بلکه حکومت دینی تحت عنوان ولایت فقیه تقرب و تشبه به آن حکومت نهایی است.

امام خمینی رحمته‌الله در وصیت خود با واقع‌بینی حکیمانه می‌نویسد:

اینجانب هیچ‌گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند؛ لکن عرض می‌کنم که قوه مقننه و قضاییه و اجراییه با زحمات جان‌فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند (امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۸۱).

رهبر معظم و فرزانه، انقلاب اسلامی را پدیده‌های پویا و پیش‌رونده می‌داند که در سیر استکمالی خود است و به تغییرات و بازخوانی برای شتاب و استقامت در سیر کمالی خود، واکنش مثبت نشان می‌دهد.

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌های زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها، حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد؛ اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند؛ بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند ([https://farsi.khamenei.ir/message-\(content?id=41673](https://farsi.khamenei.ir/message-(content?id=41673)).

خودباوری و تکیه بر توانمندی‌های خودی، بن‌مایه اصلی پیشرفت

امام خمینی رحمته‌الله شعار متعالی عبارت «ما می‌توانیم» را در عمل تجلی بخشید و نهضت بازگشت به خویشتن اسلامی را در سرزمین‌های مسلمین، حیات مجدد بخشید. این امر در وصیت‌نامه ایشان تجلی بارزی دارد.

ایشان معتقد است متخصصان در شرایط سخت جنگ ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم ... با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کنید (امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۸۵).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به این آموزه بارز و فاخر حضرت امام علیه السلام تأکید ویژه دارند: به‌رغم همه این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است ... مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید
(<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

ایشان در ترسیم خصوصیت خودباوری می‌نویسد: «انقلاب، به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد» (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

نیروی جوان؛ پیشران اصلی موتور پیشرفت کشور

امام خمینی علیه السلام تأکید ویژه بر مشارکت حداکثری جوانان در سرنوشت کشور و خدمت بی‌منت دارند و از هدر رفت این ظرفیت بالا در گرایش‌های انحرافی نگرانند.

نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید؛ و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند متحد شوید؛ و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمایید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند، و همه با هم به زندگی شرافتمندانه ادامه دهید (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹: ج ۲۱: ۱۹۷).

مقام معظم رهبری با احصای ظرفیت‌های معطوف به جوانان، راه پیشرفت را متکی به عزم و اراده جوانان می‌دانند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر چهل سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است
(<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

پیام جهانی ولایت و انقلاب

پژواک و ترنم جان‌فزای کلام رهبری انقلاب، گوش‌های حق‌شنو زیادی را در دنیا، به خود معطوف کرده است. پیام انقلاب از جغرافیای ایران و حتی مرزهای اعتقادی فراتر رفته و اکثر احرار و آزادی‌خواهان جهان را جذب نموده است. امام راحل وصیت خودش را که برای ابقای انقلاب اسلامی است، جهانی می‌داند و مخاطبش را ملل اسلامی و مظلومان جهان معرفی می‌کند:

و آن چه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی - الهی اینجانب اختصاص به ملت عظیم‌الشأن ایران ندارد؛ بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می‌باشد (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۳).

در همین راستا امام خمینی علیه السلام وصیت‌نامه خود را معطوف به مسلمانان سراسر جهان و تمام احرار و آزادگان عالم می‌نماید.

وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند ... و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۲۰۳).

کاربرد واژه تمدن نوین اسلامی (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) توسط

رهبر معظم انقلاب هوشمندانه و برای ائتلافی گسترده در جهان اسلامی به کار رفته است.

مدیریت ناشی از انقلاب، با تدابیر داهیان و اصولی، جبهه گسترده‌ای از مسلمانان مبارز و آرمان‌خواه را، در برابر فعالیت‌های مودیانه استکبار هدایت می‌کند و قدرت دشمن‌آزاری دارد.

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است؛ اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته

حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است (-[https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)
(content?id=41673).

امدادهای الهی در پیروزی و استمرار انقلاب

امداد و کمک‌های خاص الهی در مسیر حقانی، مورد تصریح قرآن و از سنت‌های جاری و قطعی الهی است (محمد ﷺ و عنکبوت: ۶۹).

حضرت امام ﷺ ماهیت انقلاب را الهی و حدوث و بقایش با عنایت ربانی می‌داند. «این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید» (امام خمینی ﷺ، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۶).

امام ﷺ نصرت الهی را سنتی ثابت به دنبال کوشش و فعل اختیاری انسان‌های مؤمن می‌داند. «از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید، نهراسید که ﴿إِنْ تَتُورُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيَثِّبْ أَعْدَائِكُمْ﴾ و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل، شریک و در رفع آنها کوشا باشید» (همان).

از نظر رهبر معظم انقلاب، رهبری مؤید به امداد الهی و ایمان عظیم ملت، موجب تاب‌آوری در مقابل انواع دشمنی‌ها شده است.

بدین‌گونه مسیر جهان‌تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن‌همه خصومت و شقاوت و توطئه و خبائث، امکان‌پذیر نمی‌شد
(<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

ارزش والای انقلاب و نظام سیاسی و حکومتی ناشی از آن

به خاطر تأثیرهای دامن‌دار نظام سیاسی و حاکمیت در جامعه و مردم، در ادبیات و گفتمان پیشوایان دین و ائمه دین، حکومت، اهمیت بی‌بدیلی دارد. حکومت، جهت‌گیری اصلی و تعیین اولویت‌ها را عهده‌دار است و منشأ اصلی هنجارسازی در جامعه است. به همین دلیل در روایت‌های اسلامی اهمیت آن گوشزد شده است.

وقایع تاریخی و تمدنی هم حاکی از تأثیر عمیق و دامنه‌دار حکومت در ادبیات، گفتمان، ممشای فردی و اجتماعی و فرهنگی مردم است.

به دلیل وجود حکومت و دسترسی به منابع مالی و تبلیغاتی است که در زمان حکومت معاویه، شخصیت ممتاز علی علیه السلام مورد تعرض تبلیغاتی قرار گرفت. اگر بنی‌امیه، دشمنان تابلودار اسلام به حاکمیت نمی‌رسیدند، توان انحراف ذهن مسلمانان به‌ویژه ساکنان حوزه شامات را در مورد علی علیه السلام نداشتند.

بر اساس منابع روایی اسلامی - اعم از شیعه و اهل سنت - امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام دارای فضائل بی‌نظیر است و تعدادی از آنان تصریح کرده‌اند که افضل انسان‌ها بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله ایشان هستند (فاضل مقداد، بی تا: ۲۵۳ و نسائی، بی تا: ۲۳ و ابن ابی‌الدید، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۴۰ و قاضی عبدالجبار، بی تا: ۵۲۰ و ابن مرتضی، بی تا: ۸۶ و سبط ابن جوزی، بی تا: ۱۶۶ و ابن حجر هیثمی، ۱۳۸۵-۱۹۶۵: ۱۲۱ و ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۴: ۸۱ و حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱-۱۹۹۰، ج ۳: ۳۲۲ و ابن جوزی، بی تا: ۱۶۳).

با این وجود، در جامعه دینی به‌راحتی در برهه‌ای از زمان در اماکن مقدسی مثل مسجد و خطبه‌ها به ایشان اهانت صورت می‌گرفت.

امام علی بن حسین علیه السلام در مورد دو نوع متفاوت از حکومت و کارکردهای آنها در جامعه، مطالب مهمی را فرموده که در حکومت عدل دین برپا داشته می‌شود و در حکومت جور دین به کهنگی می‌رسد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱: ۴۱ و ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴-۱۳۶۳: ۳۳۲ و حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۸۳). در منابع متأخر حدیثی، محتوای متن فوق با مختصر تفاوتی و به صورت تلخیص شده آمده است.

با عطف توجه به مطاوی و معانی مندرج در روایت‌های اهل بیت علیهم السلام، انقلاب اسلامی و نظام اسلامی، دارای ارزش متعالی و الهی است و ضرورت دارد از آن به صورت کامل صیانت شود.

امام خمینی علیه السلام در مورد ارزش انقلاب اسلامی می‌فرماید:

اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن، سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاول‌گری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت

دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۷۶).

رهبر معظم انقلاب در ترسیم جایگاه انقلاب و حاکمیت اسلامی و ثمرات مترتب بر آن، تصریحات روشنی دارد.

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد ... انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی علیه السلام به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود ([https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)
content?id=41673).

در جایی دیگر از بیانیه گام دوم ایشان می‌نویسد:

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

آینده امیدبخش برای انقلاب و نظام اسلامی

روح حاکم به هر دو نوشته در وصیت‌نامه و بیانیه گام دوم، امید و رجاء واثق به آینده انقلاب اسلامی است. مشکلات ناشی از کارشکنی دشمنان خارجی و داخلی، ممکن است عده‌ای را در ادامه مسیر انقلاب دچار تردید کند. سم مهلک هر انگاره و اندیشه و طرح و نظام اعتقادی و سیاسی، یأس از آینده امیدوارانه است. تمرکز بر ایجاد سرخوردگی از نظام اسلامی و ایجاد خلأ روانی، با هوشمندی خاصی طراحی شده است. در خلأ روانی افراد و نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از توان اصلی و داشته خود نمی‌توانند استفاده کنند. و از کنشگری فعال در برابر دشمن به جریانی منفعل و تأثیرپذیر تبدیل می‌شوند. شاید دستگاه تبلیغی دشمنان بیش از سربازان و جنگجویانشان در خدمت نظام سلطه باشند.

امام خمینی علیه السلام تمام عمر خود را در طول نهضت و استقرار با این شیوه دشمن، مبارزه روشنگرانه کرد و در وصیت‌نامه الهی سیاسی خود بر آن تأکید ویژه کردند.

از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر، و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مآبوس نمودن ملت‌ها و خصوصاً ملت فداکار ایران از اسلام است (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۷).

مقام معظم رهبری عدم یأس و سرخوردگی را از نظام اسلامی خصوصیت بارز مردم دین‌مدار ایران می‌داند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش‌آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها (<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

عدم کهنگی شعارهای و آرمان‌های انقلاب اسلامی

ابتنای انقلاب بر فطرت اسلامی و دین حنیف و پاک و الهی، رمز اصلی صیوروت نوشونده اوست. با وجود کهنسالی پس از سپری نمودن بلوغ و کمال چهل‌ساله اول کهنه نمی‌شود و طراوت اولیه با تجارب ارزشمند به باروریش کمک می‌کند.

پس روی خود به سوی دین حنیف کن که مطابق فطرت خداست، فطرتی که خدا بشر را بر آن فطرت آفریده و در آفرینش خدا دگرگونی نیست این است دین مستقیم، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (روم: ۳۰).

امام خمینی علیه السلام با الهام از کتاب و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سیره اهل بیت علیهم السلام، هدف غایی انقلاب اسلامی را نجات بشریت می‌داند؛ چراکه شعارها و آرمان‌های انقلاب مبتنی بر سنت‌های تغییرناپذیر و حنیف الهی بنیاد نهاده شده است.

ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین؛ بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به‌عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند، نجات دهد.

و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده است. (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۱).

مقام معظم رهبری معتقد است برای شعارهای مبتنی بر شعور دینی، تاریخ مصرف قابل تصور نیست و آنان به دلیل ابتدائی بر فطرت الهی جاودانی است. برای همه چیز می توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد؛ اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است (https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673).

فرجام خوش انقلاب و نظام اسلامی

آینده محتوم جهان متعلق به حق طلبان و پیروزی قاطع و حتمی دینی است و آیات و روایات متعددی مشعر به آن است (انبیاء: ۱۰۵ و فتح: ۲۸ و صف: ۹ و ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۸ و ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۶۵).

امام خمینی علیه السلام با روشن بینی و اعتماد به امتش می نویسند:

و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هوشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسل بعد نسل بر آن افزوده گردد (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۲۰۴).

مقام معظم رهبری، آینده روشن و درخشان انقلاب را با مهندسی کلامی خاص و امیدوارانه پیش بینی می کند.

دهه های آینده دهه های شما است و شما باید کار آزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی علیه السلام است، نزدیک کنید (https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673).

فرجام سخن

در فرجام، با مطلب مهمی این تحقیق را به پایان می بریم. سامانه مدیریتی و نظام کارگزاری در نظام اسلامی از مهام امور است. اجرایی شدن منویات رهبری انقلاب، ربط وثیقی به آن دارد. همچنین کارآمدی نظام اداری و دیوانی که موجب رضایت مندی حداکثری مردم است، منوط به

آن است. عملی شدن آن در حوزه اجرایی و قانون‌گذاری به اراده سیاسی و مشارکت هوشمندانه مردم در انتخاب مسئولان بستگی دارد.

علاوه بر اهلیت اخلاقی، توان مدیریتی از شروط مشارکت در نظام کارگزاری اسلام است و اگر خللی در این مهم ایجاد شود، کارآمدی نظام با مشکل جدی مواجه می‌شود. «ای مردم! سزاوارترین فرد به این امر (خلافت) کسی است که از همه بر این کار تواناتر و به احکام خدا در این باره داناتر باشد» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۲۴۸ و نهج البلاغه: خطبه ۱۷۳).

حضرت علی^{علیه السلام} به عنوان نماد حاکمیت اسلامی، هم بر شروط اصلی مقام منیع خلافت اسلامی و هم نظام کارگزاری تأکید ویژه می‌کنند. مشارکت در نظام کارگزاری اسلامی بی‌ضابطه نمی‌تواند باشد و هرکسی در این جایگاه حساس صلاحیت حضور ندارد، نمی‌تواند حائز مقام مدیریت باشد. «مصر به دست دشمن افتاد و محمدبن‌ابی‌بکر که خدایش رحمت کند، به شهادت رسید. در پیشگاه خدا او برایم فرزندی خیرخواه، کارگزاری پرتلاش، شمشیری برآن و رکنی دفاع‌کننده بود» (نهج البلاغه: نامه ۳۵ و ثقفی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۷۶۴).

حکیمی علت سقوط پادشاهی و امپراطوری ایران را، سامانه نامناسب مدیریتی و فتور و سستی در نظام کارگزاری می‌داند. خطای بزرگ، سپردن اکابر امور به اصغر عمال است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۱۱ ج ۱: ۱۴۴). چون در نظام مردم‌سالار دینی بخشی از کارگزاران اصلی به‌ویژه در دو قوه حساس و مهم اجرایی و قانون‌گذاری توسط مردم انتخاب می‌شوند، لذا مشارکت جویی متعهدانه و انقلابی و نظارت مؤثر نهادهای مسئول بر ورودی مدیریت‌های اسلامی، آسیب‌های احتمالی را کاهش و به کارآمدی و حیات‌پرتوان نظام کمک مؤثری خواهد کرد.

نتیجه

رویکرد تطبیقی و تحلیلی به دو مکتوب رهبری انقلاب در وصیت‌نامه الهی سیاسی امام و بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری منتج به نتایج ذیل شد:

۱. مهندسی آینده نظام و کشور با توجه به تجارب گذشته، ضرورت تام دارد؛
۲. نظام اسلامی پدیده‌ای با ارزش و بی‌نظیر است؛
۳. این نظام با بن‌مایه دینی و اقبال و حمایت مردمی ایجاد و استمرار یافته است؛

۴. پایگاه اصلی تغییرات شتاب‌دهنده، جوانان کشور و جامعه است؛
۵. صیانت از اصل و هویت و خلوص نظام اسلامی ایران از اهمّ امور است؛
۶. تجلّی خواستن، توانستن است در حدوث و بقای انقلاب مورد تأکید می‌باشد. واژه «ما می‌توانیم» رمز عبور از بحران‌های دشمن ساخته و موجود می‌باشد و اتکا به بن‌مایه‌های خودی و استکشاف ظرفیت‌های داخلی، مسیر روشن پیشرفت و توسعه همه جانبه است؛
۷. توسعه پایدار، دانش‌بنیان است. اهمیت به مراکز علمی و استقلال و ظرفیت‌سازی در دانشگاه‌ها، اولویت راهبردی است؛
۸. آینده امیدبخش در انتظار نظام و کشور است و پیشرفت واقعی منوط به پایبندی به آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛
۹. پیام انقلاب و نظام اسلامی، جهانی است و محدود به جغرافیای خاصی نمی‌شود؛
۱۰. دشمنی استکبار جهانی با انقلاب و پیام آن، امری تاکتیکی نیست؛ بلکه استراتژیک و راهبردی است؛
۱۱. همت دشمن در زمان استقرار نظام ناکارآمد نمودن آن و جدایی حاکمیت و مردم است؛
۱۲. نفوذ و استحاله و دگردیسی هویت نظام اسلامی از اهم اقدامات دشمن است؛
۱۳. رسیدن به نقطه بازدارنده در تمام عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و...، تنها راه پایان اصولی مزاحمت‌های دشمن است؛
۱۴. دشمن‌شناسی، امری ضروری است.

منابع

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- ابن‌أبی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه لابن‌أبی‌الحدید، ۱۰ جلد، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی رحمته الله، قم: چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *الأمالی (للصدوق)*، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
- _____ (۱۳۹۵)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، ۲ جلد، تهران: اسلامیة، چاپ دوم.
- ابن جوزی، عبدالرحمان (بی‌تا)، *مناقب الامام احمد بن حنبل*، بیروت: دارالآفاق الجدیدة.
- ابن جوزی، یوسف بن قزواغلی (بی‌تا)، *خصائص الائمة*، آستان قدس رضوی.
- ابن حنبل، احمد (۱۹۹۴-۱۴۱۴)، *المسند*، لبنان، بیروت: دار الفکر، الطبعة الثانية.
- ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، (۱۹۶۵-۱۳۸۵)، *الصواعق المحرقة علی أهل الرفضة والضلال والزندقه*، مصر: مکتبه القاهرة.
- ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹)، *شرح الأخبار فی فضائل الائمة الأطهار عليهم السلام*، ۳ جلد، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴/۱۳۶۳)، *تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- ابن مرتضی، احمد بن یحیی (بی‌تا)، *طبقات المعتزله*، دار المکتبه الحیاء.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ق)، *مثیر الأحران*، قم: مدرسه امام مهدی عليه السلام، چاپ سوم.
- اسفراینی، ملا اسماعیل (بی‌تا)، *انوار العرفان*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- امام خمینی رحمته الله، سیدروح‌الله (۱۳۶۹)، *صحیفه نور*، جلد ۲۱، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۲۰۰۶-۱۴۲۶)، *سنن ترمذی*، بیروت: مکتبه العصریه.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵ق)، *الغارات أو الإستنفار و الغارات*، ۲ جلد، تهران: انجمن آثار ملی، چاپ اول.
- صادقی، حسین (۱۳۹۲)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم: انتشارات پیام نوآور.
- قاضی عبدالجبار (بی‌تا)، *شرح الاصول الخمسه*، لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، جلد ۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله (۱۹۹۰-۱۴۱۱)، مستدرک علی الصحیحین، تحقیق عبدالقادر عطا، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- پوپر، کارل (۱۳۷۷)، *جامعه باز و دشمنان آن*، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، ۳۰جلد، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، لإحياء التراث، چاپ اول.
- حسن زاده آملی، حسن (بی تا)، هزار و یک کلمه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- سبحانی، جعفر (بی تا)، *بحوث فی الملل و النحل*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- سبزواری، ملا هادی (بی تا)، *اسرار الحکم*، قم: مطبوعات دینی.
- شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه (للصبحی صالح)*، ۱جلد، قم: هجرت، چاپ اول.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمه المیزان*، مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله (بی تا)، *ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین*، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، ۱۵جلد، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول.
- مرتضوی، جشید (۱۳۵۹)، *ضرورت و فلسفه تاریخ*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، ۱جلد، قم: المؤتمر العالمی لالیفیه الشیخ المفید، چاپ اول.
- نسائی، احمدبن علی (بی تا)، *خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام*، بی جا: المکتبه العصریه.
- نیکسون، ریچارد (۱۳۶۸)، *پیروزی بدون جنگ*، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق)، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه و تکمله منهاج البراعه (خونی)*، ۲۱جلد، تهران: مکتبه الإسلامیه، چاپ چهارم.

سایت: